بره ای که در گلوی سارقان گیر کرد

سارقان خوش اشتهایی که بعد از هر بار سرقت بره، آن ها را کباب می کردند توسط اهالی یک روستا شناسایی شدند. به گزارش خبرنگار ما مردی روستایی مدعی شد مدتی بود چند جوان سارق اهل یکی از روستاهای مجاور هر چند وقت یک بار به بره های اهالی روستا دستبرد می زدند که در آخرین اقدام آن ها یک بره وی را سرقت کرده اند. وی درباره چگونگی ماجرا گفت: هر چند وقت یک بار یکی از اهالی روستا از مفقود شدن بره خود شکایت می کرد و هر بار نیز پس از بررسی و جست و جوی بره گم شده قضیه روشن نمی شد. مدتی به این منوال گذشت تا این که یک روز متوجه شدم یکی از بره هایم مفقود شده که سریع دست به کار شدم و با پسرم به جست و جوی بره پرداختیم. از اکثر اهالی روستا پرس و جو کردیم تا این که یکی از اهالی روستا به من خبر داد که دو جوان که ساکن روستای مجاور هستند به همراه یک بره سوار بر موتور سیکلت هنگام غروب آفتاب از روستا خارج شدند و شک ندارم که سرقت بره کار آن هاست. من هم به اتفاق پسرم خودم را به روستای مجاور رساندم و به پرس وجو از اهالی پرداختم تا این که با راهنمایی یکی از اهالی آن روستا به مخفیگاه آن دو جوان سارق رسیدم و در کمال تعجب دیدم که بره را ذبح کرده و در حال تقسیم و کباب کردن گوشت آن هستند. وقتی به آن ها اعتراض کردم با ابراز پشیمانی به دست و پای من افتادند و التماس کردند که از گناه آن ها در قبال جبران خسارت اموال به سرقت برده بگذرم تا مایه سرشکستگی و آبروریزی خانواده و از همه مهمتر روستای شان نشوند. با متوجه شدن تعدادی از بزرگان روستا و وساطت آنها قرار شد که به طور موقت از شکایت علیه آن ها خودداری کنم تا آن ها به تعهدات شان مبنی بر جبران کردن و تکرار نکردن کارهای زشت و ناپسند خود عمل کنند.

ماجرای مردی که با آتش بازی کرد

نزول زندگی

صدیقی- ۵ ماه است که در زندان بجنورد زندانی شده و به خاطر گرفتن پول «نزول» آتشی در زندگی اش ایجاد کرده است که به گفته خودش حالا باید بنشیند و نظاره گر خاکستر شدن زندگی خود و آینده فرزندانش باشد.

در گوشه ای بی رمق کز کرده و نگاهش را به گلیم زیر پایش گره زده است. غرق در افکار و راه اشتباهی که رفته است اما آنچه از رخسارش نمایان است آشوب و توفانی است که در دلش بر پاست و غم و اندوه و ندامتی که در چهره اش موج می زند. اشک در چشمانش حلقه می زند و آرام اما گلوله گلوله روی صورتش می غلتند. کمی مکث و درنگ می کند و می گوید: آخر این چه کار و راهی بود که انتخاب کردم؟ با دست خودم آتش را به سوی خانه ام هدایت کردم تا این گونه خاکستر شدن و به گل نشستن زندگی ام را نظاره گر باشم. آری مردی که می خواست با گرفتن پول نزول گره ای از کار و زندگی اش باز کند نه تنها گره ای باز نشد بلکه گره ها تبدیل به داری شد که زندگی اش را در چنبره خودش گرفته و هر لحظه زندگی خود و خانواده اش را تنگ تر می کند. او حاضر به گفت و گو می شود تا بلکه درس عبرتی باشد برای دیگران.

به چه جرمی و چند وقت است که در زندان هستی؟

۵ ماه است که به خاطر بدهکاری و نزول در زندان هستم.

متاهلی و فرزند هم داری؟

بله متاهلم و ۳ فرزند دارم.

مبلغ بدهی ات به شاکیان چقدر است؟

۲۵ میلیون تومان به چند نفر بدهکار هستم. در واقع اصل پول گرفته شده و نصف این مبلغ است و بقیه نزول آن است.

تا کی باید در زندان بمانی؟

تا زمانی که بدهی ام را به شاکیان پرداخت نکنم باید در زندان بمانم.

شغلت چیست و آیا سواد داری؟

کاسب بودم و تا مقطع راهنمایی بیشتر درس نخواندم.

به چه خاطر بدهکار شدی و به زندان افتادی؟

کاسب بودم و به دلایلی ورشکسته شدم و به خاطر همین، از چند نفر پول قرض گرفتم. در واقع پول را از آنها نزول کردم. وقتی نتوانستم پول آن ها را برگردانم از من شکایت کردند و به زندان افتادم. با گرفتن پول نزول زندگی ام را به خاکستر تبدیل کردم.

چطور شد ورشکسته شدی؟

مدتی دچار بیماری شدم و از طرف دیگر محل کسب و زندگی ام اجاره ای و پرداخت اجاره از عهده من خارج بود و بعد از مدتی نتوانستم به تعهداتم عمل کنم و ورشکسته شدم.

کمی از ماجرای کاسبی ات بگو؟

در یکی از خیابان های داخل شهر مغازه داشتم و کاسبی می کردم. روزگار را با هر سختی بود سپری می کردم. همه چیز خوب بود تا این که مدتی مریض شدم و توان کار کردن نداشتم. از طرف دیگر اجناسی را به صورت نسیه برای مغازه خریده بودم که نتوانستم پول آنها را به موقع پرداخت کنم. این طور شد که طولی نکشید ورشکسته و خانه نشین شدم.

بعد از مدتی که ورشکست کردم دوباره خواستم کاسبی کنم و به همین خاطر از چند نفر پول به صورت بهره ای گرفتم و در ازای پول گرفته شده دوبرابر مدرک به آن ها دادم. بعد از مدتی دوباره مشغول به کار شدم و چند ماهی گذشت اما به خاطر کسادی بازار و اجاره بالای مغازه و از همه مهمتر سود بالای پول گرفته شده نتوانستم همه مبلغ را به آنها برگردانم و بعد از این ماجرا شاکیان از دست من شکایت کردند و به زندان افتادم.

مگر نمی دانستی که ربا گرفتن عاقبت ندارد؟

چرا خودم هم می دانستم که گرفتن پول نزول بازی با آتش است ولی باور کنید به خاطر شهریه زیاد دانشگاه دو فرزندم و همچنین تامین مخارج زندگی برایم غیر ممکن شده بود و به هر کسی و هر کجایی که بود رو زدم ولی موفق نشدم از جایی پول قرض کنم و به همین خاطر در اوج ناامیدی مجبور شدم که از چند نفر پول به صورت نزول بگیرم.

آیا توان بازپرداخت پول گرفته شده را داری؟

نه چون الان نه کاری و نه درآمدی دارم چطور پول آن ها را در زندان پرداخت کنم؟

آیا تا حالا برای گرفتن رضایت از شاکیان اقدام کرده ای؟

بله بارها خانواده ام به خصوص همسرم اقدام به این کار کرده اند ولی شاکیان به هیچ وجه حاضر نیستند تا زمان گرفتن تمام مبلغ رضایت بدهند.

خانواده ات بعد از زندانی شدنت چکار کردند؟

بیچاره همسرم از زمان زندانی شدنم مدام به دنبال کار من است و غیر از او کسی را ندارم که به من کمک کند. خانواده ام الان فقط با یارانه زندگی سختی را سپری می کنند و من هم که در داخل زندان کاری از دستم بر نمی آید فقط از دور آه و افسوس می خورم و زجر کشیدن خانواده و نابودی زندگی ام را تماشا می کنم. معلوم نیست که بعد از این اتفاق سرنوشت بچه هایم چه خواهد شد چون الان با باز شدن مدارس و دانشگاه ها فرزندانم برای ادامه تحصیل به مشکل برخورده اند و اگر همسرم نتواند هزینه دانشگاه و مدرسه بچه ها را تامین کند فرزندانم مجبورند ترک تحصیل کنند.

حرف آخر ؟

من از کسی گلایه ای ندارم چون خودم با گرفتن پول نزول بازی با آتش را شروع کردم و فقط از شاکیان می خواهم کمی انصاف داشته باشند و از سودپولی که به من به صورت نزول داده اند بگذرند تا شاید راهی پیدا شود و بتوانم با کمک چند خیر و فامیل بدهی هایم را پرداخت کنم.

آژیر قرمز (فضای مجازی)

فضای مجازی، اهمیت و لزوم شناسایی آسیب ها

امروزه با توجه به رشد روز افزون جمعیت و گسترش ارتباط و تعاملات افراد جامعه با یکدیگر و نیز گسترش مبادلات بین افراد، دیگر همچون گذشته نمی توان به نقل و انتقالات حضوری بسنده کرد. بنابراین به ناچار بخش اعظم این نیازها از طریق دستگاه های الکترونیکی و فضای مجازی رفع می شود. اما این موضوع همچون دیگر پدیده های ناشی از زندگی ماشینی از دید طمع بزهکاران که در این زمینه ها تخصص دارند مخفی نمانده است به طوری که با نگاه مجرمانه خویش به دنبال خلاءهای فنی و قانونی به دنبال شناسایی افراد نا آشنا و کم آگاه هستند تا از این فرصت برای رسیدن به مطامع خویش نهایت استفاده را ببرند. متأسفانه مسائل مربوط به فضای سایبری بدون فرهنگ سازی و تدارک زمینه های فنی و قانونی لازم میان افراد جامعه اعم از روستاییان و شهرنشینان پا به عرصه حضور گذاشته و افراد مختلف را با هر دیدگاه و گستره اجتماعی و فرهنگی و محیط زندگی درگیر مزایا و معایب و خطرات خود کرده است. ما در این ستون در نظر داریم با شناساندن فضای مجازی و سایبری به آسیب های به وجود آمده در این رابطه و به ارائه راهکارها و توصیه های پیشگیرانه در این خصوص بپردازیم تا ضمن برخورداری از مزایا و ثمرات مفید فضای مجازی از خطرات آن در امان بمانیم.

فضای مجازی در واقع فضایی است که افراد از طریق رایانه و تجهیزات مخابراتی اعم از اینترنت و یا برنامه های نرم افزاری از جمله تلگرام، لاین و اینستاگرام بدون در نظر گرفتن مرزهای جغرافیایی با یکدیگر ارتباط برقرار می کنند و اطلاعاتی را مورد تبادل قرار می دهند. با توجه به اهمیت این فضا می توان به این موضوع پی برد که چرا گاهی ممکن است اطلاعاتی مشتمل بر مسائل مالی، فرهنگی و علمی مورد نقل و انتقال و اشتراک گذاشته شود و یا گاهی ممکن است مطلب و محتویات خلاف اخلاق حسنه و منافی عفت عمومی به مخاطب منتقل شود. بر همین اساس مقام معظم رهبری بارها و به کرات بر اهمیت فضای مجازی و لزوم کسب تخصص و تشکیل تیم های فنی و تخصصی در سطح ملی تأکید کرده است. بنابراین با توجه به ظرفیت بالای فضای مجازی در ترویج آموزه های اسلامی و انقلابی و لزوم جلوگیری از آسیب های روز افزون این فضا و توجه بیش از پیش برنامه ریزی برای کاهش اثرات منفی و مضرات فضای مجازی لازم است ابتدا آسیب ها و خطرات آن شناسایی شود. بنا براین در ادامه این مطلب که در شماره های بعدی منتشر خواهد شد به توضیح و تبیین آسیب های فضای مجازی پرداخته خواهد شد.

معاونت پیشگیری از وقوع جرم دادسرای عمومی و انقلاب بجنورد

انتقام به خاطر چت

آبرویش را تا حدود زیادی برباد رفته می بیند اما هنوز امیدوار است که پدر و برادرانش صفحه ای را که فردی از طرف او در فضای مجازی باز کرده است ندیده باشند. آنقدر اضطراب و استرس دارد که به سختی می تواند سخن بگوید. رنگش پریده است و درماندگی به طور کامل از لحن سخنش پیداست. طی یک روز بسیاری از دوستان و اطرافیان با او تماس گرفته و گفته اند که صفحه ای شخصی با نام او و عکس های شخصی اش در فضای مجازی ایجاد شده است در حالی که شماره تماس و آدرس منزلش هم در آن قید شده است. باورش برایش سخت است که چطور کسی حاضر می شود به این راحتی آبروی فردی را این گونه بیرحمانه ببرد. فردی را که این گونه آبرویش را برده است شناخته و هنوز برایش جای سوال است که او به خاطر چه مسئله بیهوده ای این گونه آتش به آبرویش زده است. فرد انتقام گیرنده در پاسخ به پرسش او که چرا چنین کاری کرده ای گفته است چون تو می خواستی پسر مورد علاقه مرا از من بگیری. او می گوید: من به آن پسر فقط به چشم یک برادر نگاه می کردم و به هیچ وجه قصد جلب کردن او به سمت خودم را نداشتم. او از من کوچکتر است و تنها به دلیل مسائل گروه با او چت می کردم اما گمان نمی کردم این گونه باعث سوء برداشت کسی شوم. او خیلی راحت از چت کردن با پسر نامحرم حرف می زند اما گویا توصیه های بزرگترهایش را برای حفظ حریم در گروه های مجازی فراموش کرده بوده که حالا این گونه در مخمصه افتاده است. او از قانون خواسته که مانع از ادامه این انتقام گیری بچه گانه شود و متخلف را به سزای عملش برسانند.